

2. Mose 24

Persian Standard Bible of 1895 (Old Persian)



- 1 و به موسی گفت: «نزد خداوند بالا بیا، تو و هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل و از دور سجده کنید.
- 2 و موسی تنها نزدیک خداوند بیاید و ایشان نزدیک نیایند و قوم همراه او بالا نیایند.»
- 3 پس موسی آمده، هم سخنان خداوند و هم این احکام را به قوم باز گفت و تمامی قوم به یک زبان در جواب گفتند: «هم سخنانی که خداوند گفته است، بجا خواهیم آورد.»
- 4 و موسی تمامی سخنان خداوند را نوشت و بامدادان برخاسته، مذبحی در پای کوه و دوازده ستون، موافق دوازده سبط اسرائیل بنا نهاد.
- 5 و بعضی از جوانان بنی اسرائیل را فرستاد و قربانی‌های سوختنی گذرانیدند و قربانی‌های سلامتی از گاوان برای خداوند ذبح کردند.
- 6 و موسی نصف خون را گرفته، در لگنها ریخت و نصف خون را بر مذبح پاشید،
- 7 و کتاب عهد را گرفته، به سمع قوم خواند. پس گفتند: «هر آنچه خداوند گفته است، خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت.»
- 8 و موسی خون را گرفت و بر قوم پاشیده، گفت: «اینک خون آن عهدی که خداوند بر جمیع این سخنان با شما بسته است.»
- 9 و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت.
- 10 و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پایهای مثل صنعتی از یاقوت کیود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا.
- 11 و بر سروران بنی اسرائیل دست خود را نگذارد، پس خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند.
- 12 و خداوند به موسی گفت: «نزد من به کوه بالا بیا، و آنجا باش تا لوحهای سنگی و تورات و احکامی را که نوشته‌ام تا ایشان را تعلیم نمایم، به تو دهم.»
- 13 پس موسی با خادم خود یوشع برخاست، و موسی به کوه خدا بالا آمد.
- 14 و به مشایخ گفت: «برای ما در اینجا توقف کنید، تا نزد شما برگردیم؛ همانا هارون و حور با شما می‌باشند. پس هر که امری دارد، نزد ایشان برود.»
- 15 و چون موسی به فراز کوه برآمد، ابر کوه را فرو گرفت.
- 16 و جلال خداوند بر کوه سینا قرار گرفت، و شش روز ابر آن را پوشانید، و روز هفتمین، موسی را از میان ابر ندا درداد.
- 17 و منظر جلال خداوند، مثل آتش سوزنده در نظر بنی اسرائیل بر قله کوه بود.
- 18 و موسی به میان ابر داخل شده، به فراز کوه برآمد. و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند.

